

دانیال از یَهُوَه اطاعت می کرد

دانیال باب ۱

اورشلیم در خطر بود. لشکر
پرقدرت بابل شهر را محاصره
کرد و آن را گرفت.

بابلیان حتی گنج‌هایی را که در
معبد یَهُوَه بود از آنجا درآوردند.

آن‌ها حتی بعضی از نوجوانان را
از پدر و مادرشان جدا کردند.

دانیال، به یَهُوَه
نزدیک بمون. هر
جا که باشی ازش
اطاعت کن.

ما از هم
دور می‌شیم ولی
همیشه یادت باشه
که دوست داریم.

پسرم، دلم
خیلی برات
تنگ می‌شه!

چشم بابا.



دانیال و نوجوانان دیگر
به بابل رسیدند.

عجب
جاییه!

تا حالا همچین
جایی ندیده
بودم.

حرف
نداره!



چرا ما رو
اینجا آوردن؟



چه دیوارهای
بلندی! همه چی
تو بازار هست!

می‌خوان
با ما چی کار
کنن؟



بابلیان سه سال سعی کردند که این نوجوانان
اسرائیلی را مثل خودشان کنند.

شما الآن در بابل هستین.
پادشاه بزرگ دستور داده
تا اسم بابلی داشته
باشین، زبان بابلی رو یاد
بگیرین . . .

. . . و بهترین
غذاهای بابلی
رو بخورین.





ما باید از
قانون خدا
اطاعت کنیم.

اما این دستور
پادشاه! شاید بهتره
سخت نگیریم . . .

بابلی‌ها غذای ناپاک
می‌خورن، گوشت حیوانات رو
با خورش می‌خورن و غذاشونو
جلوی پت‌ها می‌ذارن. ما
نباید مثل اونا باشیم!



دانیال، قانون خدا
برای اسرائیل بود.
ما الآن تو بابلیم.



یهوه خدای ما این
قانون رو به ما داده.
هر جا که باشیم باید
ارش اطاعت کنیم.



دانیال، ما با تو
موافقیم. ما هم
می‌خواهیم از یهوه
اطاعت کنیم.



الآن که پدر و
مادرمون و کاهنان اینجا
نیستن. پس فرقی
نمی‌کنه چی کار کنیم!

دانیال و سه دوستش، حَنَنیا، میثائیل و عَزَرِیا با نگهبانشان صحبت کردند.

یَهُوه خدای ماست
و ما می‌خواهیم دل
او رو شاد کنیم.

می‌خواهین
که من چی
کار کنم؟

لطفاً ده روز
فقط سبزیجات و
آب به ما بدین.

بعد ببینین از
بقیه قوی‌تریم یا
ضعیف‌تر.

شاید نوجوانان دیگر فکر کردند که
دانیال و دوستانش چقدر نادانند.
پادشاه می‌خواست بهترین زندگی
و بهترین غذا را به آن‌ها بدهد!

اما دانیال و دوستانش تصمیم گرفته
بودند که از یَهُوه اطاعت کنند. آیا او به
آن‌ها برکت می‌داد؟



شما خیلی قوی‌تر و سالم‌تر از بقیه به نظر میان!

وقتی آن ده روز تمام شد، نگهبان به دیدن دانیال و دوستانش رفت.



وقتی سه سال گذشت، این چهار جوان را به حضور پادشاه بردند. او دید که آن‌ها از بقیه داناترند. پس، از آن‌ها خواست که در قصر او کار کنند.



یهوه هم از دانیال راضی بود. پس وقتی پادشاه، از طرف یهوه خواب‌هایی خاص دید، یهوه به دانیال کمک کرد تا آن‌ها را بفهمد و تعبیر کند.



از این داستان چه یاد می‌گیریم؟
چرا برای دانیال و دوستانش سخت بود که فروتن باشند و به یهوه توکل کنند؟
راهنمایی: دانیال ۱: ۴.
چرا دانیال توانست از یهوه اطاعت کند و به خواست پادشاه عمل نکند؟
راهنمایی: مزمور ۱۱۹: ۱۱۲؛ دانیال ۱: ۸.
وقتی از پدر و مادرت دور هستی، چه چیز به تو کمک می‌کند تا از یهوه اطاعت کنی؟
راهنمایی: امثال ۳: ۱۵؛ ایوحنا ۳: ۵.

دانیال هم از طرف یهوه خواب‌هایی دید. بعضی از آن خواب‌ها آینده را نشان می‌داد.